



28 می 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

شهرکابل شاهد رویدادهای مهم از روز چهارم تا هشتم ثور سال 1357ش (از 24 تا 28 اپریل 1978م)

بخش هشتم

دست های پشت پرده در راه اندازی کودتای ثور

موضوع دست داشتن مراجع شوروی (اعم از دستگاه استخباراتی کی.جی.بی و استخبارات نظامی آر.جی یو در پیوند با فعالیت های مستقل سفارت شوروی در کابل) در کودتای ثور یکی از موضوعات متنازع فیه بین محققان افغان و غیرافغان را در طول این مدت 39 سال تشکیل میدهد. اگرچه اعتراف صریح و مستقیم از جانب مقامات شوروی آنوقت و روسیه موجود در زمینه تاحال صورت نگرفته و نیز توقع نمیرود که روزی مراجع رسمی آن کشور درباره نقش شان در کودتای ثور در افغانستان اسناد مخفی را از قید محرمانیت آزاد ساخته و در اختیار همگان قرار دهند، اما از آنوقت تاحال بحث ها در این مورد بیشتر بر محور شواهد عینی و براهین و دلایل منطقی و نیز گزارشات قرین به واقعیت از منابع مختلف می چرخد که این نظریات را میتوان بطور کل به سه دسته تقسیم کرد:

اول - کسانیکه سهمگیری و نقش مراجع شوروی را چه مستقیم و چه غیرمستقیم رد میکنند و کودتای ثور را اقدام کاملاً افغانی و آنهم به رهبری حزب دموکرایتک خلق افغانستان میدانند؛

دوم - کسانیکه به نقش غیر مستقیم مراجع شوروی در این کودتا به نحوی صحه می گذارند؛

سوم - کسانیکه نقش مستقیم مراجع شوروی را در راه اندازی و سازماندهی و حتی اشتراک در عملیات یک واقعیت غیرقابل انکار می شمارند.

در این بخش سعی میگردد به استناد مآخذ دست داشته نقاط نظربعضی از محققان و نویسندگان را از سه دسته فوق زیرعناوین جداگانه مورد بررسی قرارداد:

اول - نظر کسانیکه که کودتا را کاملاً افغانی میدانند:

در این دسته از جمله افغانها بیشتر پیروان خلق و پرچم شامل میباشند که میکوشند با پنهان کردن حقایق چنان جلوه دهند که گویا همه کاره ای کودتا خود افغانها بود و دست بیرونی در آن دخیل نبوده است. از جمله محققان غیرافغان نیز بعضی ها در اثر گرفتن اطلاعات نادرست و اغلب از منابع کودتا و نشرات تبلیغاتی بعدی آنها در مورد دست داشتن روس ها در کودتا دچار تذبذب شده اند. بهرحال در اینجا نمیتوان به شرح همه نظریات پرداخت و لذا به ذکر مختصر بعضی نظریات طور نمونه بسنده کرد.

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

1 - نظر سلیگ هریسن:

سلیگ هریسن Selig S. Harrison محقق امریکائی که با دیگو کوردوویز Diego Cordovez مشترکاً کتاب مشهور Out of Afghanistan را در جون 1995 نوشت و جلد اول این کتاب بوسیله عبدالجبار ثابت تحت عنوان "حقایق پشت پرده تهاجم اتحاد شوروی بر افغانستان"، به دری ترجمه و در سال 1375 بار اول در پشاور به چاپ رسید، مطالب مهمی در باره افغانستان بعد از کودتای ثور و بخصوص پس از تهاجم قوای سرخ تا خروج آن قوا از افغانستان دارد. اما او در مورد ذکر بعضی نکات در چگونگی وقوع کودتای ثور دچار اشتباهات شده است و منابعی که معلومات را در اختیارش قرار داده اند، یا عمداً و یا سهواً برایش بطور نادرست گزارش داده اند. چنانکه او می نویسد: «محبوس نساختن امین یک اشتباه نهایت بزرگ بود. وی [حفیظ الله امین] بحیث کمیسار نظامی [جناح] خلق پلان کودتای احتمالی کمونیستی را طرح نموده و آنرا چند هفته قبل به ملاحظه تزه کی رسانیده بود. (صفحه 45)

در حالیکه واقعیت طور دیگر بود، چنانکه هیچیک از 9 نفر زندانی، به جز امین دیگران از شنیدن اینکه کودتا در راه است، قبلاً هیچ آگاهی نداشتند و با شنیدن آن حین رهائی از زندان غرق در تعجب گردیدند و بخصوص تزه کی و ببرک هردو میهوت شده بودند و به حرف های افسر پولیس غنی صافی باور نمیکردند (برای شرح مزید به بخش سوم مقاله مراجعه شود)

هریسن می افزاید: «این پلان وظایف 22 نفر افسر لشکر و قوای هوایی را که تقریباً همه خلقی بودند، مشخص می ساخت... پلان کودتای احتمالی که در الماری یکی از اطاقهای امین نگهداری می شد، در بستره ای پنهان ساخته شد که در آن یکی از اطفال امین استراحت بود. چند ساعت بعد که امین هنوز نمیدانست که چه باید کرد، پولیس به یکی از کارکنان غیر مشهور اما با اعتماد حزب فقیر محمد اجازه داد به منزل امین داخل شود. پولیس اشتبهاً خیال کرده بود که وی برادر بزرگ امین است. فقیر محمد در زیر چشم پولیس از منزل در حالی خارج شد که پلان کودتا در جیبش بود و آنرا به سیدمحمد گلابزوی که شخص رابط بین امین و قوای هوایی بود، رسانید. گلابزوی پلان مذکور را به شخص مهم دیگر جگرن اسلم وطنجار که رئیس ارکان قوای 4 زره دار بود، انتقال داد به وطنجار دستور داده شده بود که "انقلاب" را به فردای آن روز با حمله تانک بر ارگ آغاز کند. در عین حال دستور داده شده بود که قوای هوایی نیز همزمان با حمله تانک ها فعالیت خود را شروع کند.» (صفحه 46)

در اینجا به این سؤال عمده که کی یا کی ها پلان کودتا را قبلاً طرح کرده بودند، از آنزمان تا حال بطور دقیق جواب گفته نشده است. قادر ادعا دارد که پلان در اواسط سال 1356 بوسیله او به اشتراک وطنجار و امین طرح شده بود. این ادعا آنقدر سؤال برانگیز است که صورت تطبیق آن، زیرا تا اکنون شرحی درباره جزئیات آن ارائه نگردیده است. پلان کودتا آنقدر دقیق و همه جانبه طرح شده بود، که ترتیب آن بوسیله سه نفر و یا به ادعای قادر تنها بوسیله خودش بسیار مبالغه آمیز پنداشته میشود. به یقین که این پلان بوسیله مشاورین شوروی و دستگاه های استخباراتی آن کشور با تمام جزئیات تهیه و در همان روز باز داشت بوسیله ایجننت های خاص برای وطنجار و قادر و چند نفر دیگر رسانیده شده باشد. چنانکه گفته میشود که صبح 6 ثور گلابزوی و اسد الله سروری به سفارت شوروی در کابل رفته بودند تا از بازداشت رهبران به آنجا اطلاع دهند و در همین وقت ممکن است که سفارت شوروی پلان کودتا را نیز به آنها داده باشد تا به اشخاص مورد نظر برسانند.

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لوی

سلیگ هاریسن در ادامه می نویسد: «امین به منظور آنکه یقین حاصل نماید که پیامش به اشخاص مورد نظر رسیده است، نقل دوم پلان مذکور را ترتیب داد و به پسر نو بالغش عبدالرحمن سپرد تا فوتو کاپی های آنرا گرفته و یک یک نقل آنرا به گلابزوی، وطنجار و عده ای دیگر برساند...»

در متن فوق سخن از نقل دوم پلان است و فوتو کاپی آن در چند نقل که در آنوقت دستگاه فوتو کاپی برای استفاده مردم در هیچ جای شهر کابل وجود نداشت و نیز چرا دو کاپی پلان نزد امین موجود بود و آیا پسر "نو بالغ" امین از انتقال چند کاپی پلان احساس خطر در جهت رسوا شدن کودتا نمیکرد؟

هاریسن نقل قول جالبی دارد از دگروال "مدهو سمیران" که در آنوقت آتشه نظامی سفارت هند در کابل بود و با افسران قوای هوایی ارتباطات وسیع داشت. هاریسن می نویسد: «مدهو سمیران بمن گفت که: قادر سازمان استخباراتی نظامی اتحاد شوروی را از پلان امین مطلع ساخته بود، اما دستور اشتراک در کودتا را بدست نیاورده بود. دگروال سمیران میگوید که در اوایل سال 1978 سه صدو پنجاه تن مشاور و تکنیشن شوروی در کابل موجود بود که تعداد زیاد آنها در میدانهای هوایی بگرام و کابل در سیستم راکت های ضد طیاره و کنترل خط پرواز مصروف کار بودند. نامبرده [سمیران] بر این نکته تأکید می ورزد که بدون کمک تکنیشن های شوروی شاید به قوای هوایی خیلی مشکل می بود که بروز 27 اپریل [7 ثور] فعالیت میکرد. سمیران می گوید که: قادر مجبور بود که اشتراک خویش را در کودتا تا بدست آوردن موافقه مشاورین شوروی به تعویق اندازد. مشاورین شوروی در مدت اندک قبل از آغاز کودتا باید تصمیم میگرفتند. اما از مسکو خیلی به موقع هدایت بدست آوردند که با کودتا کمک نمایند.» (صفحه 51)

بعضی ها اینکار قادر را چنان تعبیر میکنند که گویا قادر در آن لحظات از طرف هواداران رژیم جمهوری در دفترش تحت نظارت گرفته شده بود، درحالیکه اصل دلیل تعلل او همین رسیدن هدایت از طرف مقامات شوروی بود.

به قول هاریسن: «مامورین سفارت امریکا در کابل ادعا کردند که مشاورین شوروی به قطعات زره دار که کنترل میدان هوایی کابل را بدست گرفتند، مشاهده شدند و هم ایشان دیده شدند که در عملیات کنترل خط پرواز در میدان هوایی بگرام سهم گرفتند.» (صفحه 52)

با وجود اشاره های مهم دگروال سمیران آتشه نظامی هند در کابل در مورد اشتراک مشاورین شوروی در راه اندازی کودتا، باز هم سلیگ هاریسن در صفحه 47 کتاب خود عنوان فرعی میدهد، به این عبارت: «یک کودتای افغانی به سبک افغانی» و در ذیل آن نظر خود را چنین بیان میکند: «مطالعه جزئیات کودتای 7 ثور نشان میدهد که کودتا در آخرین فرصت توسط خود افغانها تنظیم شد، اگر ادارت استخباراتی شوروی در زمینه کمکی کرده باشند، کمک ایشان بعد از آغاز عملیات صورت گرفته است، یعنی شوروی ها اساساً در مقابل کار انجام شده قرار گرفتند.» (صفحه 47)

2 - نظر جنرال نبی عظیمی:

از جمله نویسندگان افغان یکی هم جنرال نبی عظیمی است که منسوب به جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق بوده و در کتاب "اردو و سیاست..." (صفحه 146 و 147) نقش روس را در کودتای ثور به شدت رد میکند و می نویسد: «قیام مسلحانه 7 ثور را میتوان یک قیام و کودتای افغانی شمرد، زیرا تاکنون هیچگونه سند و مدرکی از آرشیف های وزارت دفاع، داخله، امنیت دولتی و خارجه اتحاد شوروی بدست نیامده و منتشر نشده است که دست شوروی ها را در پلانگذاری،

ترتیب، تنظیم، تشویق و ترغیب کودتا دخیل بداند. بناءً این قیام که کار خود افغانها بود، بصورت غیرمنتظره و دراماتیک که در آن جوشش و عواطف ظریف جوانی افسران اردو رول بازی داشت، براه انداخته شده بود. قیامی بود ماجراجویانه، بدون سنجش های لازم نظامی، بدون در نظر گرفتن پی آمد های سیاسی، قیامی نا پخته و خام، قیامی که در آغاز در سطح یک بغاوت و یک شورش کوچک توسط بزرگ مردان رژیم داؤدی تلقی گردیده بود.»

نبی عظیمی موفقیت کودتای ثور را کمتر از کارائی کودتاچیان، بلکه بیشتر از نارسائی های چند جانبه جمهوری محمد داؤد خان میداند که همین نارسائی ها موجب موفقیت کودتا شد. عظیمی در این مورد به نکات آتی اشاره میکند:

– «از دیدگاه نظامی "ناگزیری" وابستگی های شدید اردوی افغانستان به وسایط و وسایل و تجهیزات جنگی و نظامی شوروی سبب شد تا سیل مشاورین و متخصصین شوروی به افغانستان و محصلین و افسران جوان افغان به اتحاد شوروی سرازیر گردیده و باعث بیدار شدن افکار و اندیشه ها پرکشش و با جاذبه انقلابی و نوین در بین جوانان اردو گردد همچنان نقش و رول احزاب سیاسی چپ که از برکت دهه دموکراسی در اردو فعالانه به جلب و جذب پرداختند.»

– «برای اداره چنین اردویی متأسفانه داؤد خان هیأت رهبری بسیار ضعیفی را که در راس آن مرحوم دگر جنرال غلام حیدر رسولی بود، مؤظف ساخته بود. این هیأت رهبری از یکطرف در کشمکش های گرفتن قدرت بیشتر در بین خود در جنگ و ستیز بودند و از طرف دیگر فاقد بصیرت لازم سیاسی، شناخت محدود سوق و اداره بودند و حتی دانش نظامی آنها بسیار اندک بود....»

– «طرح افسران جوان کودتاچی، تجزیه و تصفیه قطعات کودتا... و جذب سریع آنها بوسیله ح.د.خ.ا. موجب گردید تا محمد داؤد تجرید گردد.» [مقصد او در اینجا تصفیه گروپ های چپی اعم از خلق و پرچم از دستگاه دولت است که گویا با اینکار محمد داؤد خود را در حالت تجرید قرار داد. بزعم او باید عناصر چپ همچنان در قدرت باقی می ماندند و هر روز کسب قدرت میکردند.]

– «حمله قبل از وقت و ناشیانه رژیم... بالای ح.د.خ.ا. بدون هیچگونه سنجش و محاسبات نظامی انجام یافت... استخبارات و کشف ملکی و نظامی نتوانستند به موقع و با شایستگی وظایف خویش را انجام و فعالیت مخالفین را کشف و افشاء سازند.» [در این ارتباط سخن عظیمی یک اشاره مهم در عطالت و حتی کار شکنی دستگاه های ملکی و نظامی استخباراتی نظام جمهوری بوده که نمیتوان از آن انکار کرد.]

– «یکی از عوامل اساسی دیگر سقوط دولت محمد داؤد خان را میتوان در تغییرات غیرمنتظره [؟؟] سیاست خارجی و داخلی رژیم مطالعه کرد. داؤد خان بعد از سفر ایران و گرفتن اعتبار معادل بر دو میلیارد دالر، بلافاصله در هرات از ایدئولوژی های وارداتی صحبت نمود و بر تمام جریان های سیاسی چپ در داخل کشور چلیپا کشید، در سفر خویش به مسکو، ژست و پوزیشن یک حکمران غیروابسته به شوروی را اتخاذ کرد، وانمود ساخت که میخواهد برای همشیه افغانستان را از وابستگی های نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی رهائی بخشد.»

آنچه در متن فقره فوق گنجانیده شده است، ریشه اصلی کودتا را که در آن دست شوروی دخیل بوده، نشان میدهد، زیرا این همان نگرانی عمیق مقامات شوروی بود که آنها را مصمم به تغییر نظام در افغانستان ساخت و حتی با وجودیکه مطمئن از کفایت لازم حزب دموکراتیک خلق در دولتداری

نمودند، باز هم شوروی زیان وارده از چرخش بزرگ سیاسی محمد داؤد را به مثابه از دست رفتن افغانستان و افتادن این کشور به دامن غرب توجیه نموده در راه های ایجاد وحدت بین دو جناح رقیب حزب از یک سال قبل در صدد آماده ساختن زمینه ها بودند. چنانکه قبلاً گفته شد که پلان کودتا اساساً در اواسط سال 1356 طرح گردید بود و منتظر فرصت بودند تا آنکه به بهانه قتل خیبر که آنهم به وسیله یکی از ایجنت های سفارت شوروی صورت گرفت، برق آسا کودتا را به راه انداختند.

3 - نظر غنی صافی:

عبدالغنی صافی افسر پولیس و نویسنده کتاب "شب های کابل" که موظف بازداشت امین در شب 6/5 ثور بود، اعتراف کرده است که تخطی های مهم او از اصل وظیفه موجب شد تا امین فوراً بازداشت نگردد و تا صبح در منزلش زیر نظارت قرار داشته و با روشن شدن روز به نظارت خانه انتقال یابد. او که به حیث عضو مخفی حزب دموکراتیک خلق منسوب به جناح پرچم بود و گزارشات مبسوط او را در مورد بازداشت امین و بعد رویداد های وزارت داخله در روز 7 ثور و رهائی سران حزب از نظارت خانه و رسانیدن شان به رادیو افغانستان در بخش های دوم و سوم این سلسله به تفصیل بیان گردید، در صفحه 99 کتاب خود چنین می نویسد: «در عملیات روز 7 ثور 1357 قیام مسلحانه اردو- قوه 4 و 15 زره دار هیچ یک فرد خارجی روسی و غیرروسی را ندیده ام، در سفارت شوروی مقیم کابل کدام تحرک و فعالیت را احساس نکرده ام.»

ندیدن هیچیک روسی و یا غیرروسی در آن روزو احساس نکردن کدام تحرک از طرف سفارت شوروی، معنی آنرا ندارد که روسها در کودتا دست نداشتند.

4 - نظر سلطانی کشتمند:

کشتمند یکی از سران جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق و صدراعظم رژیم در دوره ببرک و داکتر نجیب در کتاب "یادداشت های سیاسی و رویداد های تاریخی" (صفحه 348) می نویسد: «در باره اینکه گفته میشود: شورویها از اقدام به قیام از پیش آگاهی داشته اند، بی اساس است.» او از اینکه حفیظ الله امین در این زمینه دو گونه حرف بر زبان رانده است، می نگارد که امین: «در جلسه بیروی سیاسی بگونه رسمی گزارش داد که شام روز قیام یعنی 27 اپریل (7 ثور) هنگامیکه از توقیف آزاد شد، موضوع را به اطلاع مقامات شوروی رسانیده است و این زمانی بوده است که شورویها خود مطلع شده بودند. حرف دیگر او که به گونه غیررسمی اظهار کرده است اینکه از طریق مشاورین شوروی در اردو در جریان آغاز قیام با ایشان نیز موضوع را اطلاع داده است.»

ضرب المثل معروف است که می گویند: "دروغگو حافظه ندارد!"

اما دگروال محمد رفیع که در آنوقت رئیس ارکان قوای 4 زره دار بود و نسبت مسافرت سرور نورستانی به مسکو کفالت آن قوماندانی را بعهده داشت، اظهار میکند که سرمشاور شوروی در قوای 4 زره دار پس از ابلاغ احضارات جنگی در حالیکه خیلی سراسیمه بود، نزد وی آمد و موضوع را جویا شد و وی صرف همینقدر برای او گفته بود که اجرای وظایف خاص در پیش است و ضرورت به توضیحات نیست.»

کشتمند دلیل می آورد: «هرگاه شورویها از موضوع اطلاع قبلی میداشتند، مشاورین نظامی ایشان که بیش از 300 نفر در قوای زمینی و هوایی بودند، سرکار نمی آمدند یا سفیر شوروی در همان روز

برای مشایعت کسی به میدان هوایی کابل نمیرفت...» درحالیکه چند منبع دیگر گزارش داده اند که سفیر شوروی در کابل در همان روز به بند "سرده" غزنی رفته و در ارتفاعات "کوئل تخت" ظاهراً مصروف شکار و اما در واقعیت از همانجا بدور از هر نوع خطر جریانات کودتا را با مقامات شوروی در میان می گذاشت و هدایت می گرفت.

کشتمند دلیل می آورد که «شورویها در آن هنگام از محمد داؤد کاملاً دلسر نشده بودند و رژیم او را تا حدود زیادی مطلوب میدانستند... موضعگیری تائیدی اتحاد شوروی در برابر یک عمل انجام شده، از رژیم جدید که اهداف آن میتوانست با سیاستهای آنزمان آنکشور در مطابقت باشد، مسأله جداگانه است. باینقرار هیچگونه قرآینی وجود ندارد که اتحاد شوروی اقدام به چنان عمل ماجراجویانه و تضمین ناشده را قبلاً تائید نموده یا از وقوع آن اطلاع قبلی داشته باشد.» کشتمند از این واقعیت چشم می پوشد که مناسبات محمد داؤد با شوروی در همان یکی دو سال اخیر به سردترین نقطه رسیده بود و چرخش بزرگ محمد داؤد شوروی را به این فکر انداخت تا به عمر نظام جمهوری با راه اندازی کودتا پایان بخشد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 6 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ